

کهن ترین داستان پیامبران به زبان پارسی

سید علی آل داود

نخستین تفسیر برجای مانده قرآن به زبان فارسی ترجمه تفسیر طبری اثر عده‌ای از دانشمندان ماوراءالنهر است که در سال ۳۵۲ به روزگار منصور بن نوح سامانی پدید آمده است. این اثر را همچنین باید کهن‌ترین کتاب مفصل مثنوی زبان فارسی به شمار آورد. همه متون فارسی برجای مانده پیش از ترجمه تفسیر طبری همچون مقدمه شاهنامه ابومنصوری کوتاه‌اند و قابل مقایسه با این ترجمه نیستند. در همه نسخ خطی شناخته شده این کتاب، بخش‌هایی به شرح داستان پیامبران اختصاص یافته است که نمی‌توان مجموعه آنها را اثری مستقل شمرد. قدیم‌ترین کتاب مستقل درباره داستان‌های پیامبران قصص الانبیای نیشابوری است که به قرن پنجم تعلق دارد. از تاریخ دقیق تألیف این اثر، که به کوشش روان‌شاد حبیب یغمائی در سال ۱۳۴۰ش به طبع رسیده، اطلاعی نداریم. اما اثری که برآنیم تا در این مقاله به تفصیل به معرفی آن بپردازیم و در آینده‌ای نزدیک منتشر خواهد شد مفصل‌ترین و قدیم‌ترین کتاب در داستان‌های پیامبران به زبان فارسی است. این اثر، که در مقدمه برخی از نسخ خطی و نیز در فهرست‌های نسخ خطی با نام تاج‌القصص از آن یاد شده، در شمار مهم‌ترین متون فارسی قرن پنجم هجری است و تاکنون به طبع نرسیده است. تاج‌القصص، به تصریح مؤلف آن، در سال ۴۷۵ هجری در بلخ تألیف و تدوین شده است. هرچند نسخه‌های شناخته شده این اثر بی‌تردید در ادوار گوناگون دستخوش تصرف فراوان شده، اهمیت آن همچنان محفوظ است. مؤلف، ابونصر احمد بخاری، مطالب آن را در سال ۴۷۵ در شهر بلخ از استادش، ابوالقاسم

محمود جیهانی، شنیده و همراه با سخنان و افزوده‌هایی از خود به رشته نگارش درآورده است. طبعاً انشای کتاب و نشر آن را باید متعلق به ابونصر بخاری دانست، گوآنکه محتویات اصلی آن املائی ابوالقاسم محمود جیهانی از دانشمندان ناشناخته آن روزگار است.

قصص الانبیای نیشابوری، که احتمالاً هم‌زمان با تاج‌القصص یا اندکی پس از آن نوشته شده، از حیث حجم کمتر از نصف تاج‌القصص است.

مندرجات تاج‌القصص را، هرچند تقسیم‌بندی خاص ندارد، می‌توان به سه بخش تقسیم کرد. بخش اول حاوی مقدمه مفصل و داستان پیامبران از آدم تا پایان قصه یعقوب. داستان آدم و ابراهیم به تفصیل هرچه تمام‌تر آمده و احتمالاً در هیچ‌یک از کتب تاریخ انبیا به این شرح و بسط نیست. بخش دوم حاوی داستان یوسف پیامبر در چهل مجلس است و اندکی از بخش اول طولانی‌تر است. نام و عنوان این بخش در نسخه‌های «انس [یا انیس] المریدین و روضة المحبین» ذکر و ظاهراً پیش از بخش اول تألیف شده سپس در متن اصلی تاج‌القصص جای گرفته است. بخش سوم از ابتدای داستان موسی آغاز می‌شود و به حوادث صدر اسلام و عصر خلفا و برخی حوادث قرن اول هجری پایان می‌گیرد.

تاج‌القصص، در مجموع، مشتمل است بر مطالبی درباره آفرینش زمین و آسمان و دیگر موجودات، داستان پیامبران، احوال خلفای راشدین تا شهادت حضرت امیر علیه‌السلام و، در برخی نسخه‌ها، حوادث پس از آن. مأخذ اصلی این کتاب، به جز منابعی که نام آنها را مؤلف در متن اثر آورده، بیشتر قرآن کریم و تفسیر آیات است. مؤلف در هر داستان، مکرر به آیاتی از قرآن استشهاد کرده سپس تاریخ صدر اسلام را به آن افزوده است. رسم مؤلف این است که سخن را با ذکر یک حرف از آیه قرآنی آغاز می‌کند و، پس از تفسیر آیه، به شرح قصه می‌پردازد. اما در «انس المریدین» شیوه مؤلف اندکی متفاوت است: در ابتدای هر فصل، نخست یک آیه از سوره یوسف را نقل سپس عدد کلمات و حروف و شأن نزول و گاه فضیلت آن را بیان می‌کند. آن‌گاه آیه، جزء جزء یا به‌تمامی، ترجمه و تفسیر اجمالی می‌شود. پس از آن، نوبت به پند و حکمت و، به دنبال آن، تفسیر مشروح می‌رسد و، پیش از شرح قصه یا در ضمن آن، تحت عناوین «نکته» و «اشارت» و «نظیره» و امثال آن، برخی حقایق و دقایق اهل معرفت و عرفا ذکر می‌شود.

داستان‌گویی گاه در ذیل تفسیر آیه می‌آید و گاه به آخر آیه برده می‌شود. در ضمن، مؤلف، به استشهاد، اشعاری، بیشتر از بزرگان عرفا، نقل می‌کند. شواهد شعری بیشتر عربی است و قطعات فارسی معمولاً از شعرای ناشناخته انتخاب شده است. ویژگی دیگر تألیف استفاده از روش سؤال و جواب است.

بدین قرار، تاج‌القصص تنها روایت داستان‌های پیامبران را دربر نمی‌گیرد و مطالب متنوع دیگری پیش از ورود به داستان‌ها زمینه‌ساز آنها می‌گردد. در خلال داستان‌سرایی، گاه مباحث عرفانی طرح و لطایف و ظرایف و حکایاتی درج می‌شود. مؤلف از نقل سخنان بزرگان و حکایات مربوط به آنان خاصه عرفا و مفسران و مذکران و استشهاد از آنان نیز غفلت نمی‌کند.

کاتبان، هر یک به سلیقه زمان خود، در نسخه‌های این کتاب تصرفات و تحریفات فراوان روا داشته‌اند چنان‌که بیشتر نسخ خطی موجود از نثر زمان کاتب متأثرند.

از متون فارسی قرن چهارم و پنجم هجری، به ویژه آثار منثور، نسخه‌هایی که بر جای مانده اغلب در قرن ششم و پس از آن کتابت شده‌اند و معلوم نیست کاتبان تا چه اندازه در نقل مطالب رعایت امانت را کرده و تا چه حد آنها را به زبان و لهجه خود نزدیک ساخته‌اند. اصل این متون بی‌گمان، در گذر زمان، دچار دگرگونی گردیده و از مآخذ دیگر متعلق به قرونی بعد موادی به آن افزوده شده است. تمیز این گونه مواد به آسانی ممکن نیست. برای این کار، باید منتظر ماند تا نسخه کهن‌تری از اثر پیدا شود.

تحریرهای متعددی که طی چند قرن از تاج‌القصص انجام گرفته و بر جای مانده بر آن دلالت دارد که اهل علم و عامه مردم به آن توجه نموده‌اند و در هر دوره آن را با پسند اهل زمانه سازگار ساخته‌اند.

اهمیت دیگر تاج‌القصص در آن است که مؤلف همچون برخی مفسران متقدم قرآن کریم کوشیده است تا برخی روایات عامیانه را در اثر خود وارد سازد یا از آنها استفاده کند. حتی ممکن است بعضی از مواد مندرج در آن زاده ذهن خلاق و اسطوره‌ساز مؤلف باشد.

چنانچه اشاره شد، ابوالقاسم محمود بن حسن جیهانی، از علمای خراسان در قرن پنجم هجری، مجالس تاج‌القصص را بر شاگردش، ابونصر احمد بخاری، املا کرد و ابونصر آنها را با انشای خود و شرح و تفصیل به صورت تألیفی مدون درآورد.

بخاری در مقدمه «انس المریدین» آورده است:

قال الشيخ الامام ابوالقاسم محمود بن الحسن الجیهانی: شاگردان من از من درخواستند تا ایشان را در قصه یوسف تصنیفی سازم... و من، که شاگرد ویم به کُنیت ابونصر و به نام احمد بن محمد بن نصر... بخاری، این نسخه را به شهر بلخ نبشتم.

از ابوالقاسم جیهانی اطلاعی در دست نیست. ظاهراً، به رغم همانمی با خاندان مشهور جیهانی، از آن دودمان نیست. علامه محمد قزوینی، پس از ذکر مشخصات سه چهار تن از افراد این خاندان، از ابوالقاسم جیهانی یاد می‌کند و او را از افراد این خاندان نمی‌داند، اما برای این قول دلیلی ذکر نمی‌کند. (قزوینی ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۰۳-۲۰۴) استاد بدیع‌الزمان فروزانفر هم در شرح یکی از ابیات مولانا:

کودکی کو حارس کشتی بُدی طبلکی در دفع مرغان می‌زدی

حکایتی از انیس‌المریدین و شمس‌المجالس نقل کرده که، پیش از آن، استاد مجتبی مینوی با عنوان «شتر نقاره‌خانه» در مجله سخن به چاپ رسانده بود (مینوی ۱۳۳۲). فروزانفر سپس، در تعلیقات مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی، بخشی از یادداشت‌های دست‌نوشته مینوی در باب این کتاب را آورده و، از قول او، افزوده است که چند کتاب به نام انیس‌المریدین وجود دارد و متن منقول در مجله سخن از نسخه خطی پروفیسور براون [محفوظ در کتابخانه دانشگاه کمبریج] استخراج شده که از تألیفات منسوب به خواجه عبدالله انصاری است لیکن بعدها تغییراتی در آن پدید آمده است.

مینوی، در یادداشت‌های خود که بخشی از آنها نخستین بار در تعلیقات مآخذ قصص درج شده، از تفاوت میان اثر خواجه عبدالله و انس‌المریدین ابونصر بخاری مطلع بوده و چند سطر از کتاب بخاری را که در آن متذکر سال تألیف شده عیناً نقل کرده است. (فروزانفر ۱۳۴۷، ص ۲۶۳-۳۶۴)

اطلاعات مختصر و پراکنده‌ای از جیهانی در تاج‌القصص وجود دارد. از جمله، در مجلس ۳۹ قصه یوسف، از اسماعیل ترمذی نام برده شده که ظاهراً از دانشمندان آن روزگار بوده و با جیهانی یا بخاری دوستی داشته است. همچنین از سفر خواجه اسماعیل بخاری ملقب به مستملی، مؤلف التعریف، به گرگان حکایتی نقل شده لیکن معلوم نیست که با جیهانی رابطه داشته یا با بخاری. (تاج‌القصص، نسخه اساس، ص ۴۹۶)

همچنین از احوال ابونصر بخاری اطلاعی به دست نیامد. در یک نسخه خطی موجود

در کتابخانه ملی پاریس موسوم به قصص الانبیا، که احتمالاً تحریر جدیدی است از تاج‌القصص، از او به عنوان احمد بن محمد بن منصور الارفنجی یاد شده است (Blochet 1905, vol. 1, p. 360؛ استوری، ج ۲، ص ۷۲۱) لیکن اظهار نظر دقیق‌تر در این باب موکول به بررسی این نسخه است.

کسانی، بر اساس نسخ خطی مؤخر این کتاب و مطالب الحاقی، آن را به قرون بعدی منسوب داشته‌اند که درست نیست. برای کاتبان اعصار بعد چه سودی داشته که آن را متعلق به قرن پنجم معرفی کنند؛ بخاری، در مجلد سوم، بی‌آنکه نامی از جیهانی بیاورد، نگارش کتاب و گزارش داستان‌های انبیا را پی گرفته است.

نثر نسخه اساسی با متون هم‌زمان مؤلف و زبان آثاری چون ترجمه تاریخ طبری و ترجمه تفسیر طبری و تفسیر قرآن کمبریج و تفاسیر کهن دیگر قرابت تام دارد.

ابونصر بخاری، هرچند بر مذهب تسنن بوده است، به خاندان نبوت علاقه خاص نشان می‌دهد و در بسیاری موارد با احترام از بزرگان شیعه و ائمه آن از جمله امام حسین علیه السلام یاد می‌کند.

بخاری و جیهانی، هر دو، به احتمال قوی از علمای وابسته به کرامیان و جانبدار آنان بوده‌اند و به شیوه اصحاب این طایفه در بسیاری جاها نام بزرگان خود را با خطاب‌هایی چون «الامام الزاهد»، «الامام الاستاد» پنهان کرده‌اند. حتی محتمل است منظور از «الامام الزاهد» ابو عبدالله محمد بن کرام، پیشوا و بنیانگذار کرامیه، بوده باشد.

تاج‌القصص، چنان که اشاره شد و در مقدمه «انس‌المریدین و روضة‌المحبین» به‌صراحت ذکر گردیده، به سال ۴۷۵ در شهر بلخ تألیف شده و اگر در نسخه‌های آن نامی از دانشمندان قرن‌های بعد دیده می‌شود، این را باید به حساب تصرف کاتبان گذاشت. این اثر، در پرتو نوع مندرجاتش، طبعاً علاقه‌مندانی و خوانندگان فراوانی داشت. از این رو، در هر دوره به ذوق رایج آن عصر تصرفاتی در آن می‌شد و حتی مطالب تازه‌ای در آن درج می‌گردید. تفاوت فراوان بین نسخ خطی ناشی از همین امر است. در دست‌نویس‌های متأخر، عبارات و بخش‌های عربی بسیاری حذف و، در عوض، به متن فارسی مطالب زیادی افزوده شده است.

در تاج‌القصص، از آثار متعدد و دانشمندان و مفسران بسیاری یاد و نام برده شده که از میان آنها تنها اندکی شناخته شده‌اند. در تحریر اصلی این کتاب نام معدودی از عرفا و

دانشمندان و عالمان دینی - که به احتمال در زمره گروه کرامیه بوده‌اند - ذکر شده که معاصر مؤلف بوده‌اند.

ابونصر بخاری ظاهراً از پیروان مکتب کرامی و متمایل به عرفان بوده و طبعاً بیشتر به کتاب‌هایی توجه نشان داده که با علایق او همسویی داشته‌اند. اما، در تحریرهای بعدی کتاب، از منابعی یاد شده که همه پس از عصر بخاری تألیف شده‌اند؛ از جمله از کتابی به نام تکملة اللطائف و نزهة الطرائف اثر احمد بن محمد بن منصور الارفنجی مکرر بخش‌هایی نقل شده است. نام مؤلف شباهت زیاد به نام ابونصر بخاری دارد و تصرّف کاتبان در ساختن آن منتفی نیست. تکمله اثری در تاریخ انبیاست اما روزگار تألیف آن به درستی مشخص نیست.

در قرن هفتم هجری، شخصی به نام ابو محمد عبدالعزیز بن عثمان الجسری [یا الحیری]، براساس تکملة اللطائف و نزهة الطرائف، اثر دیگری موسوم به تکملة الطرائف در داستان‌های پیامبران ساخته است. این دو اثر را فهرست‌نویسان از جمله بلوشه (Blochet 1905, vol. 1, p. 360) و استوری (ج ۲، ص ۷۲۱-۷۲۲) معرفی کرده‌اند لیکن بدون مراجعه به نسخ خطی این دو اثر نمی‌توان در باب آنها اظهار نظر دقیق کرد. برخی از فهرست‌نویسان زمان حیات این دو را متفاوت ذکر کرده و الجسری را مقدم بر ارفنجی دانسته‌اند. در برخی از نسخه‌های خطی، کاتبان بارها با عنوان «قال الشيخ الامام الاستاد العالم عبدالعزیز عثمان الحیری» از مؤلف آن یاد کرده‌اند. روایت دیگر آن است که این اثر تلخیصی است از قصص الانبیای نیشابوری با استفاده از آثار دیگر. در آغاز این کتاب عبدالعزیز جسری چنین آمده است:

حمد له. اما بعد، این کتاب قصص الانبیا نوشته شد تا خوانندگان و مستمعان را عبرت‌ها باشد و فایده‌ها بخشد و مصنف و نویسنده را به دعای ... فهرست قصت‌ها به دلیل آیات قرآن: قصه آفرینش عرش و کرسی ... قصه خلافت امیرالمؤمنین ... اما بعد بدان که قرآن متفرق بوده است ... (منزوی ۱۳۵۳، ج ۶، ص ۴۵۱۰-۴۵۱۲)

به هر حال، نام مؤلف تکملة الطرائف با نام مؤلف تاج‌القصص در آثار قدما و نیز برخی فهرس معاصر خلط شده و تفکیک دقیق آنها مستلزم بررسی اصل نسخه‌های خطی موجود این آثار است. آنچه در نسخ تاج‌القصص از تکملة الطرائف آورده شده نسبتاً مفصل و موارد آن متعدد است. از جمله بخشی از آخر مجلس ۲۰ داستان یوسف عیناً از تکمله نقل شده که به نظر می‌رسد از جمله تصرّفات کاتبان باشد.

دستکاری‌ها و جابه‌جایی‌ها در جلد دوم کتاب یعنی در «انس‌المریدین و روضة‌المحبین» بیشتر است و آن مختص داستان یوسف در چهل مجلس و در زمرة مفصل‌ترین قصص آن حضرت در زبان فارسی است.

بیشتر مفسران که در قصه یوسف تألیفی کرده‌اند، به اقتباس از آیه ۳ سوره یوسف، نام «احسن‌القصص» بر آن نهاده‌اند. از آن پس، در کلیه تفاسیر قرآن به عربی و فارسی، به تناسب تفصیل و حجم اثر، این قصه به زبان مفسر نقل شده است. برخی از مؤلفان من جمله مؤلف تاج‌القصص آن را به صورت داستانی مستقل و مجزاً به نثر نوشته‌اند. اما، در تفاسیر معتبر مفصل چون تفسیر طبری و تفسیر کبیر امام فخررازی و تفسیر ابوالفتوح رازی و مجمع‌البیان، این قصه با تفصیل تمام در خود اثر درج شده است.

ابونصر بخاری در زمرة نخستین کسان است که داستان یوسف را به زبان فارسی و به صورت مفصل نگاشته است. وی احتمالاً داستان یوسف انس‌المریدین را پیش از جلد‌های اول و سوم تاج‌القصص تألیف کرده است. هم‌زمان با او، برخی مفسران چون شاهفور عمادالدین ابوالمظفر اسفراینی (وفات: ۴۷۱)، در تاج‌التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، و سورآبادی، در تفسیر خود، قصه یوسف را با تفصیلی هرچند نه قابل مقایسه با انس‌المریدین آورده‌اند.

در باب قصه یوسف چند مؤلف، هم‌زمان با ابونصر بخاری یا در دوره‌های بعد، آثاری تألیف کرده‌اند که با استفاده از آنها می‌توان پاره‌ای از مشکلات تاج‌القصص را حل کرد. از جمله این آثار است:

– انیس‌المریدین و شمس‌المجالسین منسوب به خواجه عبدالله انصاری (وفات: ۴۸۱)
از کهن‌ترین داستان‌های یوسف به زبان فارسی. از این اثر چندین نسخه خطی برجای مانده اما تاکنون به چاپ آن اقدام نشده است. این اثر متضمن تفسیر سوره یوسف به شیوه عرفانی است و، ضمن آن، حکایات و سخنان عارفان آورده شده و از کتبی چون تفسیر وهب بن منبه و خلف بن ایوب مطالبی نقل شده است. این کتاب نیز در گذر زمان دچار دگرگونی گردیده و مطالبی از آن حذف یا به آن افزوده شده چنان‌که، در نسخه خطی محفوظ در آستان قدس به شماره ۲۵۵، بیت

کمالِ همنشین در من اثر کرد وگرنه من همان خاکم که هستم

از سعدی دیده می‌شود که موجب شده فهرست‌نویس فهرست کتابخانه آستان قدس

رضوی (ج ۴، ص ۴۰۸)، اصل کتاب را متأخر از عصر سعدی بداند. (نیز ← کشف‌الظنون، ج ۱، ص ۱۷۸؛ منزوی ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۶؛ منزوی ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۸ و ج ۶، ص ۹۲۶-۹۲۷)
این اثر منسوب به خواجه عبدالله را برخی با انس‌المریدین ابونصر بخاری خلط کرده‌اند. روان‌شاد استاد بدیع‌الزمان فروزانفر نیز، در تعلیقات کتاب نفیس مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی، در باب این دو اثر، صرفاً بر اساس نوشته‌های دیگران، اطلاعاتی به دست داده و اظهار نظرهایی کرده‌اند که در آنها ناهماهنگی‌هایی وجود دارد.

– قصه یوسف، نوشته احمد بن محمد بن زید ابوبکر طوسی. تاکنون چنین پنداشته می‌شد که وی از دانشمندان قرن ششم هجری است. اما مطالعات و تحقیقات اخیر شفیع کدکنی (۱۳۷۷، ص ۳۴۲-۳۴۳) روشن ساخت که وی، به احتمال قوی، از مفسران و قصه‌نویسان قرن پنجم هجری است و کتابش را در حدود سال ۴۶۹ یا ۴۷۰ یعنی تقریباً هم‌زمان با تاج‌القصص تألیف کرده است.

این اثر نیز، همانند اثر بخاری، دستخوش تصرف کاتبان شده چنان‌که نسخه‌های جدیدتر آن در بسیاری موارد از نظر واژگان و نحو چندان کهنه نمی‌نماید.

– لطائف التفسیر، معروف به تفسیر درواجکی یا تفسیر زاهد، تألیف ابونصر احمد بن حسن بن احمد سلیمان زاهد الدارانی درواجکی. او تفسیر خود بر قصه یوسف را در سال ۵۱۹ در بخارا نوشته است (دانش‌پژوه ۱۳۴۰، ج ۱۰، ص ۱۶۲۲). در نسخه‌های متأخر تاج‌القصص، مطالبی تحت عنوان «نقل از لطائف» آمده که محتملاً منظور همین اثر درواجکی است.

– در قرون بعد، کتاب‌های متعددی در قصه یوسف تحت عنوان احسن‌القصص تألیف شده است. از جمله مؤلفان این آثارند: معین‌الدین آوی جوینی از عارفان و نویسندگان قرن هشتم هجری؛ ملا معین‌الدین مسکین بن شرف‌الدین فراهی معروف به ملا معین جوینی (وفات: ۹۰۷) که مشرب تصوف داشت و هر جا فرصت یافته به تفسیر عرفانی آیات پرداخته است؛ میرزا ابوالقاسم موسوی خوئی (قرن ۱۱۴هـ)؛ محمدحسن هروی خراسانی. داستان یوسف و زلیخا را بسیاری از شاعران فارسی‌زبان به نظم در آورده‌اند. کهن‌ترین این منظومه‌ها مثنوی یوسف و زلیخایی است که به خطا به فردوسی نسبت داده شده است. نفیسی (۱۳۴۴، ج ۲، ص ۷۱۸) بر آن است که سراینده این مثنوی بخش اعظم قصه یوسف را از تاج‌القصص برگرفته است.

سراینده دیگری که مواد منظومه خود را از تاج‌القصص اقتباس کرده بدری کشمیری شاعر قرن دهم هجری است. او مثنوی مفصّلی در ۱۵۰ هزار بیت به نام رُشُل‌نامه دارد که مطالب آن را از منابعی چون تاج‌القصص، تاریخ طبری و تاریخ ابن اعثم کوفی برگرفته است. یکی از قصه‌های رُشُل‌نامه داستان ذوالقرنین در هفت هزار بیت است که نسخه‌ای از آن در کتابخانه ملی پاریس موجود است. (صفا ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۷۱۵-۷۱۶)

در تاج‌القصص، نام و عنوان عده‌ای از بزرگان و دانشمندان آمده و از برخی از آنان مطالبی نقل شده است. بیشتر این افراد ناشناخته‌اند. از جمله یادشدگان‌اند:

– خواجه بوزجانی^۱ مؤلف کتابی به نام واضح. احتمال دارد وی ابوذر بوزجانی شاعر کرامی مذهب معروف قرن چهارم هجری و یکی از مشایخ زمان خود باشد که از نخستین سرایندگان شعر عرفانی است. شفیعی کدکنی (۱۳۷۷، ص ۳۴۲-۳۴۳) احوال او را به تفصیل گزارش کرده است. از او، در قصه یوسف، ابیات زیر نقل شده است:

هرکه ز پس‌کام و هوئی گشت زیان کرد زود این تن بی‌حرمت رسوای جهان کرد
بسیار تهی کرد هوا صومعه‌ها را بس عابد و بس زاهد خُدام بتان کرد

– خواجه محمد گرگانجی^۲، از شاگردان ابوالقاسم محمود جیهانی و از همدرسان ابونصر بخاری، که نسخه تاج‌القصص را با بخاری مقابله کرده است.

– استاد ابوالقاسم ترمذی که نامش به صورت استاد ترمذی و ابوالقاسم ترمذی بارها در تاج‌القصص آمده و مطالبی از قول او، از جمله در مجلس دهم قصه یوسف، نقل و در یک‌جا تألیف کتابی به نام تکمله به او نسبت داده شده است.

– قاضی امام شهید، احتمالاً از ائمه کرامیه.

– همچنین ممشاد دینوری، صاحب تفسیر؛ خواجه امام زاهد صفّار، مؤلف کتابی در ختنه؛ خواجه امام، مفسّر سرخسی؛ و امام منصور ماتریدی.

– قاضی‌خان از قضات حنفی مذهب قرن هشتم که مطلب مربوط به او را کاتبان ادوار بعد وارد کرده‌اند.

(۱) در نسخه‌ها نام او به صورت‌های النورحانی، النوزجانی، البورحانی، بوزجانی آمده است.

(۲) این نام در نسخه اساس به صورت‌های ابو محمد کرکالجی، کرکامجی، گرگانجی؛ در نسخه‌های دیگر به صورت گرگانجی و در نسخه مجلس به صورت خواجه محمد کرمانی کتابت شده است.

نخستین تفسیر قرآن، که معلوم نیست به زبان فارسی بوده یا به زبان عربی، نوشته ابوعلی محمد بن عبدالوهاب جُبَّائِي معتزلی خوزستانی (۲۳۵-۳۰۳) است که نسخه‌ای از آن شناخته نشده است. پس از آن، مهم‌ترین و کهن‌ترین تفسیر فارسی قرآن کریم به زبان فارسی ترجمه تفسیر طبری است که در سال ۳۵۲ پدید آمده است. تاج‌القصص از حیث واژگان و مختصات نثر و سبک نوشته و اشتغال بر لغات و ترکیبات کهنه فارسی شبیه همین اثر است الا آنکه دستبردگی‌ها و تصرفات کاتبان در آن بیشتر بوده است.

تاج‌القصص در حوزه شمال شرقی ایران تألیف شده و، به احتمال قوی، برخی واژه‌های گویش‌های خراسانی و ماوراءالنهری در آن راه یافته است. نثر کتاب شیوا و روان و ساده و مُرسل و نزدیک به زبان مردم عصر است و مطالب به ایجاز و اختصار بیان شده است. جملات کوتاه است و فعل در آنها تکرار شده است.

از ویژگی‌های دیگر این نثر وارد شدن برخی ترکیبات عربی در عبارات فارسی است، چنان که برخی جملات مَلَمَع‌گونه است. در برخی جاها، گاه جمله با کلمات فارسی شروع و با عربی ختم می‌شود و گاه عکس آن دیده می‌شود. برخی از واژه‌ها به صورت‌هایی به کار رفته که نمودار گونه‌های محلی است، مانند زفان (= زبان)، دوازده (= دوازده)، هنباز (= انباز).

از این گونه در کتاب فراوان است و فهرستی از آنها پایین‌تر عرضه شده است.

تاج‌القصص به لحاظ اشتغال بر لغات و واژه‌های مهجور و ترکیبات خوش درخور توجه و استخراج آنها برای تدوین فرهنگ تاریخی و پژوهش لغوی در زبان فارسی بسیار مفید است.

در نثر فارسی این کتاب صنایع لفظی و کلمات عربی اندک است. عناصر عربی به همان صورت اصلی وارد شده‌اند.

اینک فهرست برخی واژه‌ها و ترکیبات مهجور یا به معنی منسوخ و یا به صورت آوایی قدیم:

آبدان (= حوض)، استاخ، استاخی (= گستاخ، گستاخی)، استون (= ستون)، باج‌بانان (گمرک‌چیان)، باجگاه (احتمالاً دایره گمرک)، بازیگاه (= محل بازی)، باشیدن (= اقامت کردن) (باشنده، باشندگان، باشید، نباشید، می‌باشیدم)، بدایه‌کار، برسری (به علاوه)، برسیدن (= تمام شدن)، بگزیت (= بگزید)، بوی‌شناس، بیندایی (از «اندودن»)، پادشاه (= خدای

تعالی، پذیرفتار (=ضامن)، پرسندگان، پیراهنک، جشنه / جشنگی (=تشنه، تشنگی)، جلوه‌استان، جملی (=جمله)، حساب‌شناس، حسدناک، حمالانه، خاک‌استر، خُردتَرک، خُردگی (=کودکی)، خرگور (=گورخر)، خرنده (=خریدار)، خندنده / خندندگان، خیرآبات (=خیرآباد)، خیره‌نگر (=هیز)، دبیرستان (=مکتب)، درفشیدی (=درخشیدی)، دست زیر آمدن (مغلوب شدن)، دشمنادگی^۳، دُمادُم ... (=به دنبال...)، دُمک، دندان مزد، دوانزده (=دوازده)، دوستر (=دوست‌تر)، دوشان (=شیر دهنده)، روزگار گذاشتن، ره‌ایش، ریزه ریزه، سازوار (=سازگار)، سال‌شناس، سپس‌رو (=مُتابع)، سجده‌گاه، سرقین (احتمالاً =سرگین)، سرون (=شاخ)، سُنَب (=سم)، شاگردانه، شب‌اروز (=شب‌اروز)، شمارنامه (=کارنامه اعمال)، شورستان، صرافانه، عیدگاه، فرزندگان (=فرزندان)، فریشته (=فرشته)، گدایش (ظاهراً از مصدر گذاشتن)، گران‌باری، گردان‌گردان (=گردش‌کنان)، گنج‌دشک (=گنجشک)، گویان (=گواهان)، لاله‌استان، مانده، ماه‌شناس، مردم‌ریا، مزدیا، معدن (=مکان)، مکافا (=مکافات)، مَنّت‌دار، می‌استهید، میان‌جست کرد (=وسط پرید)، می‌شکوهم (شکوهیدن =ترسیدن، هراس داشتن)، نازمایی (=نیازمایی)، نان‌ناخور (=گرسنه)، نشکیفتی (شکیفتن =صبر کردن، شکیب کردن)، نظرگاه، نگوسار (=نگونسار)، نماندندی، نیک‌آمد (مصدر مَرخَم)، یارگان (=یاران)، یتیمکان.

و صیغۀ فعلی (دوم شخص جمع) با شناسۀ -یت به جای -ید:

بیریت (=ببرید)، بگویت (=بگوید)، دانیت (=دانید)، کرده‌ایت (=کرده‌اید)، گفتیت، مزنیت، مشوانیت، منهیت (=منهید).

در تاج‌القصص به اشعار عربی و فارسی استشهد شده است. در شعرهای فارسی سادگی دوران نخست شعرسرائی فارسی به‌خوبی مشهود است. در بیشتر موارد به نام سراینده اشاره نمی‌شود. در نسخه‌های مؤخر، کاتبان بیشتر سروده‌های فارسی را حذف کرده‌اند. نمونه‌هایی از اشعار فارسی مندرج در تاج‌القصص را در اینجا نقل می‌کنیم:

خواهی بزن و خواه بکش خواه بدار	یک رویه شدست مر مرا با تو شمار
گویی بکشم ترا بکش باک مدار	ما را ملکا به اختیار تو چه کار
(نقل از آخر مجلس ۲۶ «انس‌المردین»)	
در حکم خداوند جهان چون و چرا نیست	وین دار فنا جز همه تیمار و بلا نیست
وین مملکت ما به جز از عاریتی نیست	بر عاریتی تکیه بر این وجه روا نیست

۳) استاد مینوی درباره این کلمه مقاله مفصلی در مجله یغما منتشر کرده است.

با تو میلکا چو دیگران نتوان کرد تو هر چه کنی از تو فغان نتوان کرد
کرباس که می‌پاره کنی تار از تار بانگی بکنند در آن میان زاری زار
آن بانگ چه چیز است بگو ای هشیار یعنی که جدا مکن مرا تار از تار

از فواید دیگر این متن وجود برخی امثال و حکم و تعبیرات کنایی در آن است. غالب این مثل‌ها و تعابیر امروزه شناخته شده و رایج نیستند. اما دسته‌ای دیگر از آنها کمابیش در جامعه فارسی‌زبانان امروز به‌خصوص در ماوراءالنهر متداول یا بازشناختنی است. نمونه‌هایی از این مقوله است:

چربی و خشکی ترازو؛ طبل زیر گلیم زدن؛ کوه به کوه نرسد اما مردم به مردم برسد؛ آفتاب همواره بر یک دیوار نتابد.

نسخ خطی تاج‌القصص

از تاج‌القصص نسخ خطی متعدد در دست است که بیشتر آنها در پاکستان و هند و انگلستان نگهداری می‌شود و از دسترس محققان ایرانی به دور بوده است. نگارنده از بیست سال پیش به گردآوری تصاویر برخی نسخه‌ها پرداخته است. حاصل این کوشش‌ها دستیابی به چند نسخه خطی پاکستان و نسخه کتابخانه بادلیان است. در سال‌های اخیر، کتابخانه مجلس نیز نسخه‌ای از تاج‌القصص را به دست آورد که تصویر آن نیز در اختیار است.

از این نسخه‌ها، تنها یک نسخه خطی موجود در پاکستان به پیش از قرن ۱۰ هجری تعلق دارد و تا حدودی به متن اصلی نزدیک‌تر است؛ بقیه جملگی متعلق به قرن ۱۰ هجری و بعد از آن است. مشخصات نسخه‌های معرفی شده به شرح زیر است:

– نسخه شماره ۴۰۴۰ کتابخانه گنج‌بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. کهن و بی تاریخ، به خط نسخ خوش. چون اوراقی از ابتدا و انتهای آن ساقط شده، نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. منزوی به قراین آن را متعلق به قرن نهم هجری دانسته اما به نظر می‌آید از قدمت بیشتری برخوردار و احتمالاً در قرن هفتم هجری کتابت شده باشد. شمار دقیق اوراق ساقط شده پایان کتاب را نمی‌توان تخمین زد. این نسخه ۵۰۸ صفحه و، همانند بیشتر نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش، صفحه شماری دارد.

عناوین و نشان‌های آن به شنگرف است. معتبرترین نسخه خطی شناخته شده تاج‌القصص و از سایر نسخه‌ها سخت متمایز است. زبان آن به زبان متون عصر سامانی شباهت دارد، هرچند نمی‌توان آن را تحریر اصلی اثر به شمار آورد، چنان‌که، در آن، گاه ذکری از شخصیت‌های ادوار بعد نیز شده است. به برخی ویژگی‌های نثری و سبکی این نسخه در پیش اشاره کردیم. پاره‌ای ویژگی‌های رسم‌الخطی آن چنین است: پ = ب؛ ة = ت؛ ج = چ؛ ذ = د؛ ژ = ز؛ گ = ک؛ آنچه = آنچه؛ آنکه = کی بدانک = بدان که؛ بدانچ = بدانچه؛ هرچه = واو معدوله در برخی جاها حذف شده است؛ معمولاً «ی» در اضافه (آیت‌ها = آیت‌های) درج نشده است.

در این نسخه، مکرراً از ابوالقاسم محمود جیهانی، استاد مؤلف، نام برده شده و، در آغاز «انس‌المریدین و روضة‌المحبین»، چگونگی تألیف کتاب به شرح زیر بیان شده است:

قال الشيخ الامام ابوالقاسم محمود بن الحسن الجیهانی: شاگردان من از من درخواستند تا ایشان را در قصه یوسف تصنیفی سازم. اجابت کردم تا ایشان از تصنیف دیگر مستغنی باشند. و هیچ قصه از قصه یوسف خوش‌تر نیست و رغبت مستمعان به هیچ قصه چنان نیست که به قصه یوسف. و از ایشان دعا طمع می‌دارم.

و سوره یوسف را بر چهل مجلس نهادم و هر مجلسی را بر آیتی بنا کردم و واضح آیت بگفتم و لغت و اعراب بیان کردم و پند و حکمت بیاوردم. آن‌گاه به تفسیر آیت آدمم و تفسیر آیت بگفتم و نکته و اشارات گفتم و حقایق و دقایق گفتم. و سخنان اهل معرفت - آن مقدار که مصلحت بود - گفتم و مجلس را بر آن ختم کردم و هر آیتی بر همین ترتیب نهادم. و از هر نوعی که بگفتم، طریقی تخفیف و تیسیر کوشیدم و از سخنان غوامض پرهیز کردم و از تثقیل و تطویل احتراز نمودم. و این مجموعه‌ها را «انس‌المریدین و روضة‌المحبین» نام نهادم ...

و من، که شاگرد وی‌ام، به کُنیت ابونصر و به نام احمد بن محمد بن احمد بن نصر الاریفجینی البخاری‌ام، این نسخه را به شهر بلخ نیشتم فی سنة خمس و سبعین و اربعمائه [۴۷۵] و به نزدیک این خواجه آدمم به ترمذ و از وی دستوری خواستم. و مر خواجه امام زاهد را شاگردی بود به شهر بلخ او را ابو محمد گرگانجی گفتندی، با وی مقابله کردم و پیش او فروخواندم و درست کردم و آنچه اشکال‌ها بود به قدر وسع حل کردم ... و بعضی سخنان بود که گوینده را دشوار بودی گفتن، آن سخنان را موجزتر کردم. و او واضح آیت‌های سوره یوسف تمام نگفته بود، من واضح آیت‌های این سوره تمام بگفتم. و در عین قصه یوسف اقتصار کرده بود، من آن را مطول‌تر کردم و مُشبع‌تر و از خدای توفیق خواستم به تمام کردن این کتاب.

در مجموع، این نسخه مضبوط و مرتب است و کاتب دقیقی داشته که، در پایان کتابت، یک دور کامل آن را با دیگری مقابله و اغلاط را تصحیح کرده است، چنان‌که کلماتی در حواشی یا متن وجود دارد که می‌رساند پس از مقابله اصلاحاتی انجام گرفته است. گاه ضبط‌های متفاوت یک کلمه در حاشیه آمده است.

سایر نسخه‌های تاج‌القصص بی‌تردید تحریرهای جدید این اثرند و دستخوش تصرفات بوده‌اند. از این رو، از حیث زبان کهن فارسی و سبک نوشتاری از اعتبار چندانی برخوردار نیستند.

– نسخه‌های خطی شماره ۸۰۷۳ و ۸۰۷۴ کتابخانه گنج‌بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. این دو نسخه، بر روی هم، یک دوره کامل تاج‌القصص است. از داستان آدم^ع آغاز و به واقعه شهادت علی بن ابیطالب علیه‌السلام پایان می‌گیرد. داستان یوسف با عنوان «انس المریدین و روضة‌المحبین» در جای خود، در حشو کتاب و به دنبال داستان یعقوب^ع، قرار گرفته است.

این نسخه‌ها به خط نسخ نسبتاً زیبا بر دست کاتبی به نام عبدالکریم در قرن دهم کتابت شده و کار کتابت در ۲۴ ربیع الثانی سال ۹۹۱ قمری به پایان آمده است. نسخه حاوی یک سرلوح زر و لاجورد از همان عصر کتابت است و در آغاز جلد یکم جدول‌بندی پنج‌راه به زر و رنگ‌های دیگر دارد. این دو نسخه صفحه‌شماری دارد و مجموعاً ۱۰۴۳ صفحه است.

– نسخه شماره ۸۰۷۳ شامل جلدهای اول و دوم تاج‌القصص است و نسخه شماره ۸۰۷۴ حاوی جلد سوم که از میانه داستان موسی آغاز شده و تا واقعه شهادت حضرت امیر علیه‌السلام ادامه یافته است. این دو نسخه، با همه اعتبار، در مقایسه با نسخه اساس نقایص متعددی دارند. این نقایص ناشی است از حذف بخش‌هایی عمده از کتاب و در مواردی حذف آیات، احادیث و جملات عربی. در برخی جاها، کاتب نثر کتاب را به کلی تغییر داده و خود مطلب را به شیوه‌ای دیگر نگاشته به گونه‌ای که می‌توان آن را تحریر جداگانه‌ای از کتاب به شمار آورد. از این حیث، این نسخه با برخی نسخ دیگر شباهت تام دارد و چه بسا همه آنها از روی نسخه واحدی سوادبرداری شده باشند.

– نسخه خطی شماره ۵۴۲۴ کتابخانه گنج‌بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. مفصل و کامل در حدود قرن ۱۱ هجری به خط نستعلیق پخته کتابت شده است.

عنوان‌ها و نشان‌ها و جدول‌بندی دو خطی همه به سنگرف است. شامل دیباچه تا پایان قصه پیامبران است و اندکی از تاریخ اسلام را دارد و با «قصه تزویج زینب» پایان می‌یابد. این نسخه مغلوپ و افتادگی‌های آن بیش از سایر نسخه‌های پاکستان و حاوی اغلاط و اشتباهات متعدد است. در این نسخه نیز، قصه یوسف با عنوان «انیس المریدین و روضة المحبین» درج شده و، بر خلاف سایر نسخ، از تکملة اللطائف در آن نامی به میان نیامده است. نسخه دارای ۱۲۷۸ صفحه است. (منزوی ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۱۱)

– نسخه خطی شماره ۱۹۳ کتابخانه بادلیان آکسفورد از مجموعه اوزلی (به شماره ردیف ۳۴۲). به خط نسخ، تاریخ کتابت ندارد. خط آن خوش. از انتهای آن اوراقی ساقط شده است. سرلوح زیبایی دارد و تمام صفحات آن مجدول است. مجموعاً ۴۶۵ برگ و ۹۳۰ صفحه است (فهرست بادلیان، ص ۱۸۶-۱۸۷؛ منزوی ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۱۰). نسخه با این عبارت آغاز می‌شود:

الحمد لله الذي توحد بالملكوت و تعزز بالجبروت و هو الحی الذي لا يموت.

و با این سطور پایان می‌گیرد:

چون به هزیمت به جانب او طاس شدند، رسول لشکری بر اثر ایشان فرستاد و مردی از قبیله اشعریان بر ایشان امیر کرد نام او ابو عامر.

میکروفیلم این نسخه به شماره ۱۲۵۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. (دانش پژوه ۱۳۴۸، ج ۱، ص ۳۷)

– نسخه خطی شماره ۲۳۲۵ کتابخانه تاشکند، کامل، از داستان آدم تا روزگار پیامبر اسلام به اضافه احوال خلفای راشدین، مختوم به شهادت حسین بن علی علیه السلام و حوادث پس از آن. خطی خوش دارد. هرچند در فهرست تاشکند اشاره شده که به خط نستعلیق است، صفحه‌ای از کتاب که به عنوان نمونه آورده شده به خط نسخ است. نسخه تاشکند مجموعاً حدود ۴۰۰ برگ دارد و با این عبارت آغاز می‌شود:

الحمد لله الذي توحد بالملكوت و تعزز بالجبروت و هو الحی الذي لا يموت.

کاغذ این نسخه سمرقندی مرغوب است. در سرآغاز نسخه، عنوان کتاب به صورتی ظریف و هنرمندانه آمده با نقوش مذهب و رنگ آمیزی به رنگ‌های گوناگون تزیین شده است. در وسط عنوان، محلی برای «بسم الله الرحمن الرحيم» باز شده است. در چند سال اخیر، از طرق گوناگون، کوشش‌ها شد تا عکسی از این نسخه به دست آید و بی نتیجه ماند.

— نسخه خطی شماره ۴۸۲ کتابخانه بانکی پور هند. کهن، به خط نستعلیق، فاقد تاریخ کتابت. در آن، داستان پیامبران از آدم تا پیامبر اسلام همراه با دیباچه‌ای به زبان عربی آمده است. نام مؤلف در این نسخه به صورت «احمد بن احمد بن نصر البخاری» مضبوط است. این نسخه ۴۰۵ برگ (۸۱۰ صفحه) دارد و هر صفحه حاوی ۲۳ سطر و اندازه آن ۹/۵×۶ سانتیمتر است. در فهرستواره منزوی (منزوی ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۸۴) شماره این نسخه به اشتباه ۸۴۲ نوشته شده است. عنوان داستان یوسف در این نسخه «انس المریدین و روضة المحیین» است. برای اطلاع بیشتر از این نسخه ← فهرست بانکی پور (ج ۶، ص ۷۴-۷۷).

— نسخه خطی شماره ۱۵۳ کتابخانه‌ای خصوصی در کابل. در سال ۸۹۳ کتابت و در ابتدا نام «مجالس انبیا» به آن داده شده است (منزوی ۱۳۵۳، ج ۶، ص ۴۴۲۲-۴۵۲۸؛ استوری، ج ۲، ص ۷۲۲). برخی هم در فهرست‌ها نام «مجالس قصص انبیا» به آن داده‌اند (استوری، ج ۲، ص ۷۵۸). اما سرآغاز کتاب همانند تاج‌القصص و به احتمال زیاد نسخه دیگری از این اثر است.

— نسخه خطی شماره ۵۹۱ کتابخانه دیوان هند در آکسفورد. به سال ۱۱۰۴ کتابت شده است. (فهرست بادلیان، ص ۵۹۱؛ استوری، ج ۲، ص ۷۲۲، منزوی ۱۳۵۳، ج ۶، ص ۴۴۲۲).
— نسخه خطی شماره ۵۹۲ کتابخانه دیوان هند در آکسفورد. تاریخ کتابت ندارد. اوراق آخر آن ساقط شده و تا میانه مجلس دوازدهم داستان یوسف آمده است. (همان سه مأخذ قبلی)

— نسخه خطی کتابخانه شخصی مفتی عبدالسبحان در شهر هزاره، استان سرحدی پاکستان. این کتابخانه در خانقاه نقشبندیه مجددیه واقع است. نسخه‌ای است مفصل به قطع رحلی، ۱۲۷۶ صفحه، به خط نستعلیق زیبا. در قرن یازدهم هجری کتابت شده است. احادیث، اخبار و آیات قرآنی این نسخه همه به شنگرف است. (تسبیحی ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۷۷-۷۸)

— نسخه خطی کتابخانه ریاض لاهور، این نسخه به خط نستعلیق جلی کتابت شده، تاریخ کتابت ندارد. از ابتدا و انتهای آن اوراقی افتاده و فعلاً حاوی ۲۳۲ صفحه است. (منزوی ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۴)

— نسخه خطی متعلق به جامع غوثیه مظهرالاسلام در راولپندی. کامل، ۸۷۴ صفحه دارد و کتابت آن در ۸ ذیحجه ۱۰۹۵ به پایان رسیده است. (همان، ج ۶، ص ۹۲۶)

— نسخه خطی شماره ۹۴۳۴ کتابخانه گنج‌بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. بی‌تاریخ و احتمالاً متعلق به قرن ۱۱ هجری. از آغاز و پایان آن چند برگ افتاده است. به خط نستعلیق پخته کتابت شده است. (همان‌جا)

— نسخه خطی شماره ۸۰۵۹ کتابخانه گنج‌بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، در قرن ۱۱ هجری به خط نستعلیق پخته کتابت شده. ناقص است و از آغاز آن حداقل یک برگ افتاده و به واقعه شهادت علی بن ابیطالب علیه‌السلام ختم شده است. تقریباً همانند نسخه شماره ۵۴۲۴ کتابخانه گنج‌بخش است و جمعاً ۷۳۶ صفحه دارد. (منزوی ۱۳۵۷، ج ۳، ص ۱۳۲۵-۱۳۲۶؛ ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۷)

— نسخه خطی شماره ۱۴۲۲۷ کتابخانه مجلس شورای اسلامی. به خط نسخ. در قرن ۱۰ یا ۱۱ هجری کتابت شده. نام‌کاتب ندارد. تمام صفحات آن دارای جدول شنگرف با قلم قرمز است. عناوین آن نیز شنگرف است. گاه پارگی در وسط برخی برگ‌ها دیده می‌شود که بعداً وصالی شده است. وصالی‌ها با کاغذی به رنگ روشن است. عناوین و غالب عبارات عربی با قلم قرمز کتابت شده و در چند موضوع (حداقل ۵ جا) برگ‌هایی ساقط شده است. این مواضع را بعداً بر کاغذی به رنگ نخودی روشن نوشته و به کتاب افزوده‌اند.

از اول کتاب چند برگ ساقط شده و در آخر کتاب فهرست عناوین آن را بر روی یک برگ با همان خط نستعلیق افزوده‌اند.

در این برگ آخر، بر اثر وصالی، سطوری خوانده نمی‌شود. چند برگ از وسط کتاب در چند جا جدا شده و صحاف، بی‌توجه به جای اصلی، آنها را به آخر کتاب چسبانده است. این نسخه حاوی ۳۸۹ برگ است و هر صفحه ۲۶ سطر دارد، لیکن صفحه‌شمار کتاب عدد ۴۰۷ را نشان می‌دهد و در فهرست کتابخانه ۳۶۷ برگ نوشته‌اند. در پایان کتاب، فهرست کامل قصه‌ها به خط نستعلیق خوش افزوده شده است. داستان یوسف در ابتدای این کتاب کامل است و از برگ ۹۷ تا ۱۹۷ را در بر می‌گیرد. در آخر نسخه چنین آمده است:

تاریخ تمام شدن این کتاب در اصل ۱۰۷۵ بوده است.

مهری هم دارد؛ لیکن تصور می‌رود که این عبارت را دیگری اضافه کرده هر چند به خط کاتب نزدیک است.

مندرجات برخی صفحات ساقط شده را کاتبی به خط جدیدتر و به نستعلیق خوش نوشته و افزوده است، از جمله در داستان هود (برگ ۶۳) و داستان بخت النصر تا پایان حضرت عیسی^ع (برگ‌های ۲۸۷ تا ۲۹۲). جلد این نسخه تیماج مشککی است. اندازه صفحات ۲۷ × ۱۶ سانتیمتر است. در آغاز کتاب آمده است:

الحمدلله رب العالمین و الصلوة و السلام علی رسوله المکرّم الامین و علی آله و اصحابه الطیبین الطاهرین» (این عبارت به خط دیگری است).

اصل کتاب چنین آغاز می شود:

صلوة الله و سلام علیهم اجمعین، بدان که هیچ درجتی و منزلتی و رتبتی نیست چنان که در نیکو درجه آدم صفی را بود علیه السلام. چنان که خدای تعالی فرمود که و عَلَّمَ آدم الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا و درجه حلم ابراهیم خلیل را بود صلوة الله علیه چنان که حضرت فرمود.

و از برگ ۲ کتاب:

پس واجب است قصه پیغمبران شنیدن و خواندن، چنان که گرویدن [به] پیغمبران فریضه است، معرفت و شناخت پیغمبران و نام و نَسَب و افعال ایشان دانستن واجب است تا نگاه کنند در حکمت و پند ایشان تا بدانند که کار سابقان چگونه گردید و عاقبت کار ظالمان و عاصیان چه شد تا ایشان را عبرت باید در عبادت خدای تعالی و نگاه داشت فرمان‌های او و دور شدن از عصیان و طغیان تا از عمر خود برخوردار گردند.

پس بنا بر تنبه عقل جمیع گرفته شد این کتاب از اول آفرینش عالم و آسمان‌ها و زمین‌ها و جمیع موجودات از آدم تا به خاتم انبیا علیه السلام و فضل و اخلاق و معراج و غزوه‌های اوقات آن حضرت و فضیلت صحابه رضی الله عنهم اجمعین الی یوم الدین. و فضل این امت چنان که در تفسیر... آمده است و در قصص و تواریخ چنانچه به نظر رسیده و نام این کتاب تاج القصص نهاده شد.

چنان که ملاحظه می شود، این نسخه در مقایسه با سایر نسخه‌ها تفاوت‌هایی دارد.

نسخه‌های انس المریدین و روضة المحبّین

– نسخه خطی شماره ۱۱۱۱ کتابخانه بانکی پور. تنها مشتمل بر قصه یوسف است و در سال ۱۰۰۱ به خط نستعلیق به دست کاتبی ناشناس کتابت شده است. اندازه برگ‌ها ۹×۵ سانتیمتر، هر صفحه ۱۷ سطر دارد و جمعاً حاوی ۱۴۲ برگ است. Storey 1972, vol. 1, pp. 115-159؛ استوری، ج ۲، ص ۷۲۲؛ منزوی ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۶؛ فهرست

بانکی پور، ج ۱۴، ش ۱۱۱۱)

– نسخه خطی شماره ۱-۹۴۷-۱۹۵۷ N.M موزه ملی پاکستان در کراچی. به خط نسخ، در رجب ۹۹۴ کتابت شده، ۹۷۶ صفحه، عناوین به شنگرف. (نوشاهی ۱۳۶۲، ص ۲) ضمناً سه نسخه دیگر این کتاب در موزه ملی پاکستان موجود است که با عنوان «قصص الانبیا» خوانده شده‌اند، لیکن سطور اول آن همانند آغاز کتاب تاج‌القصص و احتمالاً نسخه‌های دیگری از این اثر است (منزوی ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۷-۸). اظهار نظر قطعی موکول به بررسی اصل نسخه است.

– نسخه خطی شماره ۱۶۲ کتابخانه ریکارد آفس پیشاور. به خط نستعلیق شکسته. تاریخ کتابت ندارد. ظاهراً کامل نیست و تنها ۲۸۶ صفحه دارد. از سطور که به عنوان نمونه در فهرس ذکر شده بر می‌آید که نسخه‌ای کهن سال و احتمالاً بیش از سایر نسخه‌ها به نسخه اساس نزدیک است. با سطور زیر آغاز می‌شود. (همان‌جا)

قال الشيخ الامام الزاهد ابوالقاسم محمود بن حسن الجيهلاني: شاگردان از من خواستند که ایشان را در قصه یوسف تصنیفی سازم. اجابت کردم تا ایشان را از تصنیف دیگر استغنا پدید آید... سوره یوسف را بر چهل مجلس نهادم. واضح آیت بگفتم و توضیح اعراب و پند و حکمت وی بیاوردم، آن‌گاه تفسیر آیت بگفتم، و نکته و اشارات و حقایق و دقایق آن بیاوردم...

نگارنده، از دو دهه پیش، تاج‌القصص را شناسایی کرد و، چون تا آن زمان این کتاب به طور دقیق معرفی نشده و تنها در فهرس نسخ خطی به آن اشاراتی شده بود، مقاله‌ای کوتاه با عنوان «کهن‌ترین داستان پیامبران به زبان فارسی» در باب آن نوشت و در مجله کتابداری به چاپ رساند (آل‌داود ۱۳۶۷). از آن پس، چون بیشتر نسخ خطی آن در پاکستان نگهداری می‌شد، کسب تصاویر مهم‌ترین نسخ موجود در مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان را در دستور کار خود قرار داد و، طی چند سال، ۳ دوره تصویر از سه نسخه خطی آنجا را به دست آورد. سپس عکس نسخه بادلیان را، از طریق میکروفیلم محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، در اختیار گرفت. با ملاحظه و تطبیق نسخه‌ها معلوم شد که یگانه نسخه اصیل این کتاب همان نسخه خطی شماره ۴۰۴۰ کتابخانه گنج‌بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان است. در سایر نسخه‌ها تصرفات و تحریفاتی مشهود افتاد و برای مقابله فاقد اعتبار تشخیص گردید. نسخه اساس ناقص و تنها مشتمل است بر جلد اول و دوم کتاب از ابتدای داستان آدم تا اواخر مجلس ۳۶ از داستان یوسف (انس المریدین و روضة‌المحبین). از این رو بر آن شد که عجلتاً به تصحیح و چاپ و نشر

همین جلد اول و دوم اکتفا و از تصحیح مجلد سوم یعنی داستان موسی به بعد صرف نظر کند. الا آنکه چهار مجلس آخر قصه یوسف از نسخه‌های دیگر نقل گردید تا جلد دوم ناقص نماند. مصحح امیدوار است جلد سوم را نیز، به طور جداگانه، بر اساس نسخ خطی دیگر برای چاپ آماده سازد.

ضمناً ارزش و اهمیت ادبی این کتاب در نشر زیبای فارسی آن است که تنها در نسخه اساس درخور عنایت و توجه است.

متن تصحیحی بر مبنای نسخه اساس فراهم آمده و در بیشتر صفحات قسمت‌هایی از آن با دو نسخه دیگر مقابله شده است.

به موارد حذف شده در نسخه‌های متأخر در پانوشت صفحات اشاره شده است. در شمار مهم‌ترین موارد افتادگی‌ها می‌توان به حذف اوایل مجلس یازدهم تا اواسط مجلس شانزدهم داستان یوسف در نسخه ۴۰۴۰ گنج‌بخش - اوراق افتاده بین صفحات ۳۲۶ و ۳۲۷ این نسخه قرار داشته است - اشاره کرد. این بخش نسبتاً طولانی از دو نسخه دیگر استنساخ و مقابله و افزوده شده است.

در پایان سخن، شایسته است به این نکته اشاره شود که مطالعه متون مربوط به قصص انبیا برای دانشجویان و محققان زبان و ادبیات فارسی و رشته‌های گوناگون فرهنگ اسلامی و زبان فارسی ضروری است. چون، در متون فارسی، اشارات صریح یا غیرصریحی به این داستان‌ها شده و برخی سراینندگان به خصوص شاعران صوفی مشرب گوشه‌هایی از این داستان‌ها را ضمن آثار خود مندرج ساخته‌اند و حتی این قصص موادی برای مضمون‌سازی به دست شاعران داده است.

از این جهت، تاج‌القصص، که نخستین متن فارسی تاریخ‌دار مفصل در داستان پیامبران به زبان فارسی است، حایز اهمیت دیگری است.

منابع

- آل‌داود، سیدعلی (۱۳۶۷)، «تاج‌القصص، کهن‌ترین داستان پیامبران به زبان پارسی»، کتابداری، دفتر سیزدهم، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ص ۱۷-۲۰.
- استوری، چارلز، ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری (ج ۱، ۲)، ترجمه یحیی آرین‌پور، سیروس ایزدی و کریم کشاورز، تحریر احمد منزوی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران ۱۳۶۲.
- براون ادوارد، تاریخ ادبی ایران [از سعیدی تا جامی]، ترجمه علی اصغر حکمت، امیرکبیر، تهران ۱۳۵۷.

برتلس، یوگنی ادواردویچ، تصوّف و ادبیات تصوّف، ترجمۀ سیروس ایزدی، امیرکبیر، تهران ۱۳۵۶.
تسبیحی، محمدحسین (۱۳۵۵)، کتابخانه‌های پاکستان (ج ۱)، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد.

دانش پژوه (۱۳۴۰)، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ج ۱۰)، دانشگاه تهران.
— (۱۳۴۸)، فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ج ۱)، دانشگاه تهران.
رجائی، احمدعلی (۱۳۵۰)، «بخشی بازیافته از کهن‌ترین ترجمۀ تفسیر طبری»، نامۀ آستان قدس، سال ۹ [شماره مخصوص مهر]، ص ۱۰۳-۱۲۷.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۷)، «سفینه‌ای از شعرهای عرفانی قرن چهارم و پنجم»، جشن‌نامه استاد ذبیح‌الله صفا، به کوشش دکتر محمد ترابی، نشر شهاب، تهران.
صدرائی خوئی، علی و دیگران (۱۳۷۷)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (ج ۳۸)، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.

صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۷)، تاریخ ادبیات در ایران (ج ۵)، فردوس، تهران.
فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۴۷)، مأخذ قصص و تمثیلات مثنوی، امیرکبیر، تهران.
فهرست بادلیان ← EtHe 1903.

فهرست بانکی‌پور ← Abdul Muqtadir 1918, 1928.
فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۲۵ ش.
قزوینی، محمد (۱۳۶۳)، یادداشت‌های قزوینی (ج ۲)، به کوشش ایرج افشار، علمی، تهران.
کشف الظنون (ج ۱)، حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۹۴۱ م)، استانبول.
مجموعه دست‌نوشته‌های شرقی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی (ج ۹)، ازبکستان، [فهرست تاشکند]، تاشکند ۱۹۷۱ م.

محبوب، محمدجعفر (۱۳۳۸)، «داستان‌های عامیانه فارسی»، مجله سخن، س ۱۰، ش ۶، ص ۶۲۴-۶۲۸.
منزوی، احمد (۱۳۴۹، ۱۳۵۳)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (ج ۱، ۶)، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، تهران.
— (۱۳۵۷)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش (ج ۱، ۳)، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد.

— (۱۳۶۵)، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان (ج ۱، ۶)، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد.

— (۱۳۷۴، ۱۳۷۶)، فهرستواره کتاب‌های فارسی (ج ۱، ۳)، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.
مینیوی، مجتبی (۱۳۳۲)، «شتر نقاره‌خانه»، سخن، س ۴، ش ۷، ص ۵۴۳.
نفیسی، سعید (۱۳۴۴)، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی (ج ۱، ۲)، فروغی، تهران.
نوشاهی، سید عارف (۱۳۶۲)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزه ملی پاکستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، کراچی.

Abdul Muqtadir (1918, 1928), *Catalogue of the Arabic and Persian Manuscripts in the Oriental Public Library at Bankipore*, (vols. VI, XIV), Patna.

BlochET, Edgard (1905), *Catalogue Des Manuscripts Persans De La Bibliothèque que Nationale*, vol. I.

EtHe, Hermann (1903), *Catalogue of Persian Manuscripts in the Library of the India Office*, vol. I, Oxford.

STOREY, C.A. (1972), *Persian Literature*, vol. 1, London.

